



مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران، آمریکا و انگلیس با رویکرد تطبیقی

فاطمه غلامی^۱

مسعود اخوان فرد^۲

چکیده

از جمله نهادهای سودمند در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی می‌توان به حقوق رقابت اشاره نمود، هدف اصلی حقوق رقابت محدود کردن فعالیت‌های ضد رقابتی است. حقوق رقابت به طور ضمنی از حقوق مصرف کننده نیز حمایت می‌کند. فعالیت‌های ضد رقابتی از آنجا که عملکرد بنگاه‌های اقتصادی را مختل می‌نماید، منع شده است. این فعالیت‌ها شامل توافقات در خط افقی بین بنگاه‌های هم سطح و توافقات در خط عمودی بین بنگاه‌های غیر هم سطح می‌شود. فعالیت‌های ضد رقابتی شامل ادغام‌ها، سوءاستفاده از موقعیت اقتصادی مسلط و انحصار می‌شود. در جهت مقابله با اعمال ضد رقابتی ضمانت‌های اجرایی در قوانین کشورها پیش‌بینی شده است. به طور کلی ضمانت‌های اجرایی موجود در این حوزه به دو دسته ضمانت‌های اجرایی قراردادی و ضمانت‌های اجرایی غیر قراردادی تنظیم می‌شود. در پژوهش حاضر درصدد هستیم که مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت را در نظام‌های حقوقی ایران، انگلیس و آمریکا بررسی نماییم.

۱. نویسنده مسول. کارشناس ارشد حقوق خصوصی. وکیل پایه یک دادگستری

ایمیل. gholami.fatemeh1362@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه، mfard law@yahoo.com

واژگان کلیدی: ادغام، انحصار، اقتصاد، توافق، حقوق رقابت.**مقدمه**

در نظام‌های حقوقی که قواعد حقوق رقابت بر مبنای سنت‌های عدالت توزیعی پی ریزی می‌شوند موسسات عمومی به اهداف اجتماعی دولت کمک زیادی می‌نمایند، در واقع یکی از ابزارهای دولت برای تحقق اهداف اجتماعی تأسیس و شناسایی دسته‌ای از انحصارات است که به انحصارات قانونی موسوم هستند. از آنجا که هدف از این انحصارها عموماً تأمین اهداف عمومی و اجتماعی است غالباً از طریق موسسات عمومی نیز پیگیری می‌شوند.

حقوق رقابت نمی‌تواند اقداماتی را که به وسیله قوانین دیگر (قوانینی غیر از قوانین ضد انحصار) الزامی شده‌اند، شامل شود بلکه اعمالی که از روی اراده آزاد و در مقام اعمال اختیارات قانونی اعمال می‌شود مشمول حقوق رقابت‌اند، در این چارچوب انحصار فی نفسه ناقض حقوق رقابت نیست، بلکه هنگامی که این انحصار از طریق یک سری اقدامات ضروری تداوم یابد نقض رقابت انگاشته می‌شود. با این حساب، عنوان «قانون ضد انحصار» عنوان مناسب نخواهد بود، چرا که این نوع قوانین امتیاز انحصاری را منع نمی‌کنند. همانند امتیاز انحصاری موسسات عمومی و دولتی بلکه انحصارطلبی را منع می‌کنند^۱

در جهان امروز حقوق رقابت یکی از شاخه‌های تأثیرگذار حقوق اقتصادی است. نهادهای ناظر بر رقابت در سراسر جهان همه روزه به بررسی و تحقیق و تفحص در خصوص نقض قواعد حقوق رقابت می‌پردازند و با ناقضان قوانین و مقررات رقابتی در حوزه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی برخورد می‌کنند. حقوق رقابت برخلاف ذات به ظاهر مدرن خود ریشه در تاریخ بشر دارد. از هنگامی که تجارت به وجود آمده است رقابت نیز وجود داشته و رویه‌های ضد رقابتی همواره محل رقابت تلقی شده‌اند. بررسی آثار باقیمانده از دوران باستان نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین مقررات ضد انحصار مربوط به



قرن چهارم قبل از میلاد مسیح در آتن است. در آن دوران، تجار مقادیر زیادی کالا را خریداری و انبار می کردند تا هنگامی که به بازار آزاد دسترسی یافتند بتوانند آن‌ها را با قیمتی بالاتر از قیمت رقابتی به فروش رسانند. در واقع، با سوء استفاده از کمیابی ساختگی^۱ یک کالا، قیمت کالای مربوطه بالا می‌رفت. اگرچه حقوق رقابت سنتی، تاریخچه پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، اما نظام رقابت مدرن باعث ایجاد و توسعه حقوق رقابت شده است. آغاز نظام رقابت مدرن را از زمان تصویب قانون Sherman^۲ در حقوق آمریکا می‌دانند.^۳

مفهوم حقوق رقابت

از آن رو که مفهوم کلیدی در حقوق رقابت و نقطه شروع مباحث مطرح در آن، همانا «رقابت» است لذا در وهله اول باید مفهوم رقابت و رقابت تجارتي (اقتصادی) را شناخت و سپس، سخن از حقوق رقابت به میان آورد. رقابت، امروزه یکی از محوری‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم علم اقتصاد محسوب می‌شود.^۴

ارتباط حقوق رقابت با اقتصاد کشورها باعث گردیده تا این شاخه از حقوق به شدت مورد توجه دولت مردان و سیاست گذاران باشد. بازار به عنوان محل حضور فعالان تجاری، نیازمند ضوابط و مقرراتی است که تا به موجب آن، تجارت آزاد جریان داشته و رقبا بتوانند با حضور در آن فعالیت نمایند. وجود قوانین و مقررات تسهیل کننده رقابت و ضد انحصار، از مهم‌ترین شرایط لازم برای تحقق اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار است. تدوین و تنظیم ضوابط مذکور، رسالت اصلی حقوق رقابت است.^۵

1. Contrived Scarcity
2. The Sherman Antitrust Act

۳. حسینی، ۱۳۹۵: ۲

۴. خداداد کاشی، ۱۳۸۸: ۲

۵. صادقی، ۱۳۸۶: ۱۷۰

۱- مفهوم حقوق رقابت

رقابت در لغت به معنای انتظار کردن، چشم داشتن، نگهبانی و هم چشمی کردن آمده است. در اصطلاح «حقوق رقابت» یا «رقابت تجارتي (اقتصادی)» نیز همین معنا از رقابت مورد نظر است. چرا که در محیط بازار، هر کنشگری مراقب رقیب تجارتي خود است و فعالیت‌های او را به دقت تحت نظر دارد تا مبادا مغلوب او شده و با از دست دادن کار و کسب خویش مجبور به ترک بازار شود. البته صرف مراقبت از رقیب و نظاره کردن اعمال او، روشنگر همه واقعت رقابت تجارتي نیست. بلکه مجادله با رقیب بر سر یک هدف مشترک و تلاش برای پیشی گرفتن و بردن هم‌اورد از او نیز جنبه مهم دیگر رقابت در یک بازار آزاد محسوب می‌شود. کما این که در سایر رقابت‌های جاری در جهان هستی نیز این گفته صادق است. به همین دلیل، صاحب نظران غربی رقابت را به معنای «مسابقه یا مجادله برای برتری و پیروزی» یا «تلاش برای به دست آوردن چیزی که هم زمان دیگری نیز در تلاش برای تحصیل آن است» دانسته و از رقابت تجارتي به «تلاش به دست آوردن مشتری و تجارت با اشخاص در بازار و یا فرآیندی که در آن، بنگاه‌ها برای کسب مشتری بیشتر برای محصولات خود به مبارزه با یکدیگر برمی‌خیزند» تعبیر نموده‌اند.

اصطلاح حقوق رقابت معادل Competition در انگلیسی است. ریشه لاتین این واژه «cum petitio» است که از ترکیب (cum: با) و (petere: درخواست کردن، حمله کردن) تشکیل یافته و به معنای: تقابل خواسته‌های متعدد برای یک چیز است که قابلیت تعلق تنها به یک فرد را دارند. کمیسیون رقابت انگلستان رقابت را «فرایند کشمکش و مجادله میان بنگاه‌ها جهت پیروزی در تجارت و داد و ستد با مشتریان در طول یک دوره زمانی معین» تعریف کرده است.

حقوق رقابت بخش کوچکی از تعاملات و اعمال دو یا چند جانبه بنگاه‌ها را به هر عنوانی که باشند از قبیل توافقات، اقدامات هماهنگ، ادغام و یا تملک به لحاظ آثار سوئی که ممکن است بر رقابت در بازار داشته باشند، ممنوع اعلام کرده است.



۱-۱- مفهوم حقوق رقابت در قانون آمریکا

«رابرت بورک» حقوق و اقتصاددان به نام آمریکایی در کتاب معروف خود یعنی «تناقض آنتی تراست» با اذعان به این که با وجود گذشت بیش از یک قرن از تصویب قوانین رقابت در آمریکا، کماکان تعریف قانع کننده‌ای از رقابت ارائه نشده است. پنج معنا برای رقابت تجارتي برمی شمرد: ۱- فرایند مجادله و برتری جویی^۱، ۲- نبود محدودیت بر فعالیت‌های اقتصادی یک بنگاه از طرف بنگاه دیگر، ۳- وضع بازاری که در آن، خریداران و فروشندگان خصوصی، از طریق خرید یا فروش‌های خود بر قیمت اثرگذار نیستند، ۴- وجود صنایع و بازارهای غیر متمرکز و خرد شده^۲ و نهایتاً، ۵- وضعی از امور که دیگر امکان افزایش رفاه مصرف کنندگان از طریق تغییر وضع موجود و ایجاد وضعی دیگر وجود ندارد. از نظر رابرت بورک حقوق رقابت باعث ایجاد تعادل در بازار می‌شود، رقابت کامل در سیستم اقتصادی باعث می‌شود که رفاه مصرف کننده در بهترین شکل ممکن تأمین گردد. هر چند وجود رفاه مصرف کنندگان در حالت ایده آل در یک بازار به معنای وجود رقابت در آن بازار به بهترین نحو است، منتهی این مسئله ماهیت رقابت را از نظر حقوقی تبیین نمی‌نماید. به نظر می‌رسد از لحاظ حقوقی شناخت رقابت در بازار تحت عنوان مجادله جهت پیدا نمودن موقعیت برتر نسبت به سایر بنگاه‌ها، کفایت می‌کند. به این معنا که از نظر حقوقدانان صرف وجود جریان رقابت و برتری جویی بین بنگاه‌های اقتصادی با هدف جلب مشتری بیشتر و کسب سود بالاتر در واقع به معنای وجود رقابت در بازار است. صرف وجود چنین فرآیندی در بازار و شناخت قواعد مرتبط با آن برای حقوقدانان کفایت می‌نماید. فلذا زمینه‌های فراهم شدن این فرآیند و همچنین مشخصات و ویژگی‌های آن در حوزه ی علم اقتصاد قابل بررسی خواهد بود، در نتیجه حقوق رقابت رابطه‌ای است که بین بنگاه‌های اقتصادی در یک بازار مشخص و در یک زمان معین به

1. the process of rivalry
2. fragmented

وجود می‌آید. قواعد مرتبط با حقوق رقابت در بین بنگاه‌های اقتصادی که به عرضه‌ی کالا و یا خدمات مشابه می‌پردازد ظهور پیدا می‌کند.^۱

۱-۲- مفهوم حقوق رقابت در قانون انگلیس

مطالعات و قواعد مربوط به حقوق رقابت در قانون انگلستان به قرن هجدهم برمی‌گردد. آدام اسمیت دانشمند اسکاتلندی با استفاده از تجربه‌ها و نظریه پردازی‌های دانشمندان قبل از خود توانست برای نخستین بار نظام اقتصادی جامعی را شکل دهد، هرچند هم اکنون دو قرن از زمان زندگی او می‌گذرد. ولی مبانی و اصولی که وی در اقتصاد وارد کرده است همچنان در کشورها مورد توجه است، به همین علت است که وی را پدر علم اقتصاد می‌نامند. او توانست براساس شرایط اقتصادی که در روزگار زندگی اش بر انگلستان حاکم بود سیاست‌های مشخصی را در زمینه‌های اقتصاد به جامعه ارائه نماید. مهم‌ترین اثر آدام اسمیت کتابی است تحت عنوان ماهیت و اسباب ثروت ملل در سال ۱۷۷۶ نگارش پیدا کرد. به نظر می‌رسد که این تحقیق در تاریخ تحلیل اقتصادی نقطه‌ی عطفی به شمار می‌رود. یکی از مسائلی که در آثار آدام اسمیت درخور توجه است بحث مربوط به عدم مداخله‌ی دولت در بازار و مخالفت با انحصار گرایی بود. همچنان که مشاهده می‌شود زمینه‌های حقوق رقابت از همان زمان که آدام اسمیت تحقیقات خود را شروع نمود به طور ضمنی وارد علم اقتصاد شد. از نظر وی اگر بازارها را به حال خود رها کنیم هر فردی با هدف کسب منافع شخصی بیشتر تلاش می‌کند که سود خود را به حداکثر برساند وی چنین تلاشی را تحت عنوان «دستی نامرئی» یاد می‌کند. مسلماً این دست نامرئی زمانی می‌تواند وظیفه‌ی خود را به بهترین نحو انجام دهد که مانعی بر سر رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی وجود نداشته باشد. در نتیجه اگر بخواهیم آغازگر حیات علم اقتصاد مدرن را تفکرات آدام اسمیت بدانیم، باید بگوئیم که عمر حقوق رقابت در قانون انگلستان به اندازه‌ی عمر علم اقتصاد است بعد از این اقتصاددان بزرگ سایر دانشمندان نیز در این حوزه به تحقیق پرداخته و نقش رقابت را در بازار مورد توجه قرار دادند. قبل از اینکه حقوق رقابت



مدرن در عرصه ی تعاملات تجاری در انگلیس در مفهوم کنونی آن ظاهر شود دانشمندان انگلیسی در آثار خود اصطلاحات متعددی را برای توصیف این حوزه استفاده می کردند. نظیر: رویه های محدود کننده^۱، حقوق انحصارات^۲، اعمال ادغامی^۳، محدودیت های تجاری^۴.

حقوق محدودیت های تجاری انگلستان را باید پدر حقوق رقابت مدرن امروزی دانست. محدودیت های تجاری در واکنش به کمبود کار و کارگر در قرون وسطا که خود نتیجه شیوع طاعون در اروپا بود، به وجود آمده بودند. این محدودیت ها توافقاتی ساده بودند که هدف از آن ها وضع محدودیت ها و موانعی در داد و ستد و تجارت یکی از طرفین توافق بود. حقوق مربوط به محدودیت های تجاری، عمدتاً ساخته قضات انگلیسی به شمار می رود که بنای آن را بر دو قاعده نهاده بودند: (۱) ممنوعیت و بطلان مطلق برخی از توافقات خلاف آزادی فردی و منافع عمومی و (۲) مجاز بودن دسته ای از توافقات محدود کننده آزادی که متعارف یا معقول بودن^۵ آن ها به اثبات رسد.^۶

۲- مصادیق افعال زیانبار در مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت

افعال زیانباری که موجب تحقق مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت می شوند به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند: نخست توافقات ضد رقابتی که مخل تجارت سالم در بازار هستند. و دوم رویه های محدود کننده رقابت. برخی از این رویه ها ضمانت اجرای کیفری نیز دارند.

1 . Restrictive Practices
2 .The Law of Monopolies
3 . Combination Acts
4 .The Restraint
5 . Reasonableness
6 .Furse,2008:5

۲-۱- توافقات ضد رقابتی

توافقات مشمول حوزه ی حقوق رقابت به طور کلی در سه گروه قابل بررسی است: توافقات افقی، توافقات عمودی و اقدام ها.

در بحث مربوط به قراردادهای عمودی و افقی به نظر می‌رسد که قراردادهای افقی از آنجا که تأثیر بیشتری بر بازار می‌گذارند از اهمیت زیادی برخوردار هستند. اعمال ضد رقابتی از رهگذر قراردادهای افقی بیشتر قابل ارتکاب هستند در قراردادهای حوزه ی حقوق رقابت بنگاه‌های اقتصادی که کالاها را با یکدیگر تولید و یا توزیع می‌نمایند می‌توانند با هم توافق کنند که کالاها را با شرایط غیر رقابتی به بازار عرضه نمایند. در نتیجه لازم است که مجریان حقوق رقابت در این حوزه به طور مخصوص نظارت نمایند. هرچند در مواردی ممکن است توافقات حوزه ی رقابت آثار اقتصادی و اجتماعی مناسب و ویژه‌ای داشته باشد، به عنوان مثال ممکن است سرمایه گذاری‌های مشترک توسط بنگاه‌های اقتصادی در یک حوزه ی مشخص باعث شود که در مقیاس تولید صرفه جویی صورت بگیرد. در نتیجه مجریان حقوق رقابت ملزم هستند که در تشخیص قواعد ضد رقابتی و هم چنین توافقات محل حقوق رقابت دقت لازم را به عمل آورد و نتیجه ی اصلی توافقات مذکور را فارغ از اهداف بنگاه‌های اقتصادی بسنجند.

۳-۱-۱- توافقات افقی

منظور از توافقات افقی به طور کلی توافقاتی است که بین فعالان اقتصادی هم سطح، نظیر تولید کنندگان یا توزیع کنندگان به عمل می‌آید. براساس قانون انگلیس در فرضی که بین بنگاه‌های فعال در یک بازار مشخص رقابت موثری به وجود آمده باشد از آن جهت که آن بنگاه‌ها هدف اصلی شان جذب مشتری و رونق بخشیدن به کسب و کار است در نتیجه ملزم هستند برای رعایت منافع مصرف کنندگان و جلب رضایت آنان محصولات ارزان و با کیفیت به بازار ارائه نمایند. مسلماً اگر تولیدکننده‌ای در بازار رقابتی نتواند محصولات ارزان تر و مناسب تری برای مصرف کنندگان ارائه کند با عدم انتخاب از سمت آنان روبرو شده و در نتیجه از صحنه ی بازار حذف می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت

که نتیجه‌ی تلاش و رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی استفاده‌ی بهینه از منابع موجود و ایجاد انگیزه برای تولید ثروت است. مسلماً مصرف‌کنندگان نیز به طور ضمنی از این رقابت منتفع خواهند شد. قاعدتاً رعایت نفع مصرف‌کنندگان در بازار باعث می‌شود که رفاه آنان در جامعه تأمین شود.

۳-۱-۱-۱- توافقات افقی در حقوق آمریکا

به طور کلی می‌توان گفت که در تمامی قواعد مرتبط با حقوق رقابت توافقات افقی تثبیت قیمت در زمره‌ی مصادیق اصلی رویه‌های ضدرقابتی هستند. در قانون آمریکا توافقات افقی تثبیت قیمت جزء توافقات محدودکننده‌ی تجارت بوده و تحت شمول ماده ۱ قانون شرمن قرار می‌گیرد. در حقوق آمریکا مقابله با چنین توافقاتی در دوره‌های زمانی مختلف متفاوت بوده است، دولت در سال ۱۹۸۱ مبارزه با توافقات مرتبط با حوزه‌ی تثبیت قیمت را مورد توجه قرار داد. در ارتباط با این گونه توافقات در رویه‌ی قضائی دادگاه‌های آمریکا آرای متعددی به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که سنگین‌ترین رأی‌های صادر شده در حوزه‌ی حقوق رقابت مربوط به حوزه‌ی توافقات افقی تثبیت قیمت است. در رأی‌هایی که از دادگاه‌های آمریکا صادر شده است توافقات افقی تثبیت قیمت به «شیطان بزرگ آنتی تراست» تعبیر شده است. این مسئله نشان می‌دهد که این گونه توافقات جزء ناپسندترین شیوه‌ی نقض مقررات حقوق رقابت است.

بررسی تاریخچه‌ی تحول رویه‌ی قضائی در قانون آمریکا در ارتباط با توافقات مرتبط با تثبیت قیمت نکات قابل توجهی را به ما منتقل می‌کند. به نظر می‌رسد که دادگاه‌های آمریکا تمامی توافقات تثبیت‌کننده‌ی قیمت اعم از توافقات افقی و عمودی را تا سال ۱۹۹۷ تحت شمول قاعده‌ی ذاتا نامعقول تلقی می‌کردند. به بیان دیگر تمامی توافقات تثبیت‌کننده‌ی قیمت تا سال ۱۹۹۷ ممنوع بود. اولین رأیی که در ارتباط با این گونه توافقات از دادگاه‌های آمریکا صادر گردید مربوط به سال ۱۹۶۷ است، در این رأی دیوان عالی کشور آمریکا تثبیت قیمت که تأثیر نامناسب بر تجارت ایالت‌ها را داشت ممنوع اعلام نمود. تأثیر این گونه توافقات بر حوزه‌ی تجارت مستقیم و فوری بود به همین دلیل با

ممنوعیت جدی از طرف دولت آمریکا مواجه می‌گردید. علاوه بر آن در سال ۱۹۴۰ دیوان عالی آمریکا در رأی دیگری تمامی توافقات و تبانی‌هایی را که هدف آن‌ها تثبیت قیمت و یا افزایش یا کاهش آن باشد ذاتاً غیرقانونی نامید. از سال ۱۹۹۷ رویه قضائی تثبیت عمومی قیمت را از حکم ذاتاً غیرقانونی خارج نمود، منتهی به نظر می‌رسد بر روابط افقی ممنوعیت مربوط به تثبیت قیمت و یا افزایش کاهش آن کماکان پابرجا است. هرچند در دهه ۳۰، دادگاه‌های آمریکا توافقات تثبیت قیمت را با هدف جلوگیری از ورشکستگی صنایع مهمی مانند زغال سنگ و خروج آن‌ها از بحران را به طور استثنائی اجازه دادند.

اگر چه گفته شد که توافقات تثبیت قیمت مشمول قاعده‌ی ذاتاً غیرقانونی هستند با این همه، ذکر این نکته نیز ضروری است که در تحولات اخیر، دادگاه‌های آمریکایی گاه استدلال‌ات خواندگان را استماع کرده و در صورتی که توجیهات آن‌ها منطقی و دارای مزیت رقابتی بوده‌اند، بجای اعمال قاعده‌ی ذاتی از قاعده‌ی نگاه اجمالی استفاده نموده و به بررسی صحت آن توجیه و آثار آن پرداخته‌اند. لذا گفتن این که رویه‌ی قضایی این کشور در خصوص توافقات تثبیت قیمت، امروزه نیز همانند گذشته مطلقاً قاعده‌ی ذاتاً نامعقول را اعمال نموده و هیچ جایی برای توجیه و اثبات منطقی بودن آن‌ها باقی نمی‌گذارد، صحیح نیست. این سخن به طریق اولی، در مورد سایر توافقات افقی نیز که از آن‌ها به عنوان مصادیق سنتی قاعده‌ی ذاتاً غیرقانونی یاد شده، صادق است. علت را می‌توان در این دانست که چون یکی از دلایل تاسیس قاعده‌ی مزبور آن است که در تفکر سنتی، برای مصادیق تحت شمول آن هیچ مزیت رقابتی قابل نبودند در نتیجه، بررسی آثار و تحلیل آن‌ها را نیز بیهوده و عبث می‌شمردند. لذا اگر بتوان در موارد استثنائی اثر مثبت رقابتی برای توافقات مزبور تصور نمود، جایی برای اعمال قاعده‌ی ذاتی نمی‌ماند. تفکر جدید و تحولات رویه‌ی قضایی به شناسایی این موارد استثنائی تمایل دارد و در واقع، به قاعده‌ی بررسی اجمالی به دیده‌ی محملی برای استماع دفاع تشدید رقابت، کارایی یا ارتقای رفاه مصرف کنندگان در برابر قاعده‌ی ذاتی می‌نگرد. بنابراین، باید گفت اعمال قاعده‌ی ذاتی



نسبت به مصادیق سنتی‌اش در حال حاضر، حکم یک «اصل» را دارد که امکان اثبات نامناسب بودن آن وجود دارد.

در حقوق ایالات متحده، توافقات افقی تخصیص یا تسهیم بازار مشمول ماده‌ی ۱ قانون شرم‌ن تلقی شده و در مورد آنها با قاعده‌ی ذاتا غیر قانونی رفتار می‌شود.

۳-۱-۱-۲- توافقات افقی در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس مصادیق متعددی برای توافقات افقی بیان شده است. یکی از مصادیق این توافقات کارتل‌ها هستند، کارتل‌ها شکل سازمان یافته همکاری و تعاون میان بنگاه‌های رقیب برای نیل به اهداف ضد رقابتی و از بین بردن رقابت در بین خود است. در کنار سایر اقدامات ضد رقابتی تثبیت قیمت معمولا یکی از اهداف اصلی کارتل‌ها به شمار می‌رود. قیمت کارتلی به تدریج به جهت به حداکثر رساندن سود اعضا، به قیمت انحصاری نزدیک می‌شود. برای این منظور لازم است که اعضا برای در نظر گرفتن شرایط متغیر عرضه و تقاضا و تجدید مجدد قیمت جلسات منظمی با یکدیگر داشته باشند. در شرایط مطلوب رقابتی، قیمت از رهگذر تعامل عرضه و تقاضا پدید می‌آید، یعنی به طور طبیعی قیمت نباید در کنترل یک یا چند بنگاه باشد یا به دیگر سخن، بنگاه‌ها باید گیرندگان قیمت^۱ باشند و نه تعیین کنندگان قیمت^۲. ضمن آنکه انتظار از رقابت آن است که پیوسته و به تدریج بنگاه‌ها را برای حفظ یا افزایش مشتریان خود، مجبور به کاستن از قیمت محصولات و بهبود کیفیت آن‌ها کند. اما تثبیت قیمت در میان بنگاه‌های رقیب دقیقا بر خلاف جریان رقابت عمل می‌کند، چرا که موجب می‌شود تا آنان بخش اعظمی از فشار رقابت را از روی دوش‌های خود بردارند و با آسودگی خیال به عرضه محصول خویش پردازند. در واقع، آنان با اختلال در فرآیند رقابت به جای آن که اجازه دهند تا قیمت از طریق برآیند عرضه و تقاضا مکشوف شود، خود دست به کنترل و تعیین مصنوعی آن می‌زنند. این توافقات استقلال و آزادی عمل بنگاه‌ها را در تعیین قیمت محصولات خود

1. Price Taker

2. Price Maker

که باید بر کارایی و قابلیت بقای آن‌ها متکی باشد، از میان می‌برند. تثبیت قیمت در غالب موارد با محدود شدن میزان تولید ملازمه دارد. از آنجا که قیمت تعیین شده همواره بالاتر از قیمت محصول در شرایط رقابتی است، لذا رفاه بنگاه‌های طرف توافق به ضرر مصرف کنندگان رو به فزونی نهاده و ثروت جامعه به سوی آن‌ها سرازیر می‌شود. در این موارد آسیب جدی به عدالت توزیعی وارد می‌گردد. علاوه بر این، مصرف کنندگانی وجود دارند که به محصول نیاز داشته اما حاضر به پرداخت قیمت تعیین شده آن نیستند یا توانایی آن را ندارند در حالی که اگر قیمت در سطح رقابتی آن بود محصول را خریداری می‌کردند. بدین ترتیب، تخصیص قیمت ناکارایی تخصیصی را به دنبال دارد. هم چنین، با از بین رفتن رقابت و تضمین سود، بنگاه‌ها دیگر انگیزه‌ای برای نوآوری و ابتکار برای تولید محصول جدید و با کیفیت تر ندارند. به همین ترتیب، تلاشی هم برای کاهش هزینه‌های تولیدی خود نخواهند داشت. بنابراین ناکارایی پویا و تولیدی نیز پدید خواهد آمد. از این رو، از رفاه اجتماعی کاسته خواهد شد. در کنار این‌ها، بنگاه‌ها با توافق خود بر میزان قیمت و تعهد به حفظ آن، عدم قطعیت در مورد رفتار رقبای خود را که از جمله عناصر تشکیل دهنده ساختار بازار است، از بین می‌برند.¹

توافقات محدود کننده تولید نیز دارای آثار ضد رقابتی هستند. در اتحادیه اروپا شق (ب) بند اول ماده ۱۰۱ معاهده عملکرد به توافقات مزبور با عبارت «محدود یا کنترل کردن تولید، بازارها، توسعه فنی یا سرمایه گذاری» اشاره دارد. برخی اسناد منتشره از کمیسیون و هم چنین آرای صادره متعددی از دیوان دادگستری و دیوان عمومی توافقات تولید را در زمره توافقاتی قرار داده‌اند که موضوع آن‌ها وضع محدودیت بر رقابت است. این توافقات نیز همانند توافقات تثبیت قیمت به علت کوچک بودن بنگاه‌های طرف توافق از ممنوعیت مندرج در بند ۱ ماده ۱۰۱ معاف نمی‌باشند. نهادهای رسیدگی کننده به رویه‌های ناقض رقابت، ممنوعیت مزبور را نسبت به موارد محدود کردن حجم تولید، مقدار فروش، ظرفیت

1 . (Russo,210:33) .



موجود، وسایل حمل و نقل، میزان مجاز انبار کالا، سهمیه بندی میزان تحویل، ممنوعیت تحقیق و توسعه در امر خاصی یا توافقات اختصاصی سازی^۱ اعمال کرده اند. در توافقات دسته اخیر، تولید کنندگان محصولی معین قرار می‌گذارند که هر یک به تولید آن محصول با ظاهر یا ویژگی‌های فنی خاص پرداخته و از تولید آن به گونه‌ای دیگران خودداری ورزد. بنابراین، توافقات کنترل تولید ناظر به وضع هم محدودیت‌های کمی هستند و هم محدودیت‌های کیفی و فنی. در قوانین کشور انگلستان (قسمت (ب) بند ۲ ماده ۲ قوانین مربوط به رقابت) به طور اختصاصی رد پایی از ممنوعیت توافقات مورد بحث دیده می‌شود.^۲

از جمله توافقات افقی ممنوع در ارتباط با اعمال ضد رقابتی می‌توان به تبانی در معاملات رقابتی اشاره نمود. این گونه تبانی‌ها مروج ناکارایی و تضمین بقای بنگاه‌های ناکارآمد محسوب می‌شوند، چرا که موجب می‌شوند همواره بنگاه‌هایی که بیشترین کارایی تولیدی را دارند برنده معامله نشوند. ممنوعیت تبانی در معاملات رقابتی در قوانین رقابت در کشور انگلستان را می‌تواند از قانون کسب و کار مصوب ۲۰۰۲ برداشت نمود.

۳-۱-۲- توافقات عمودی

ممکن است استفاده از توافق عدم رقابت، برای تحقق اهداف نامشروع باشد؛ دشواری اثبات مقاصد ضد رقابتی در چنین وضعیتی پوشیده نیست و از این رو، به مرور در حقوق آمریکا، ضابطه‌ای برای بررسی اعتبار ترتیباتی نظیر آن شکل گرفت. به موجب این قاعده، در کنار بخشی از توافقاتی که فی نفسه و به طور ذاتی در تعارض با موازین حمایتی رقابتی قرار می‌گیرند، اعتبار و اثر پاره‌ای دیگر را باید با نگرش ویژه‌ای محک زد و با اعمال «قاعده معقولیت» که مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی و ملاحظات رقابتی است، به بررسی دقیق ابعاد آن‌ها پرداخت.^۳

1. Specialisation Agreements

2. (Braakman et al., 1997:48)

۳. (رهبری، ۹۱)

توافق‌هایی است بین فعالان اقتصادی که به فعالیت‌های متفاوتی در بازار اشتغال دارند؛ از جمله توافق بین تولید کنندگان و توزیع کنندگان یا توافق بین توزیع کنندگان و خرده فروشان، به ویژه توافق بین مجوز دهنده و مجوز گیرنده در قراردادهای مجوز بهره برداری.

۱-۲-۱-۳ مصادیق توافقات عمودی ممنوع در قانون آمریکا

از جمله توافقات عمودی ضد رقابتی می‌توان به توافقات تثبیت قیمت باز فروشی^۱ اشاره نمود. در این توافقات، بنگاه تولید کننده قیمت باز فروش محصول توسط بنگاه توزیع کننده را معین یا محدود می‌کند که سه مصداق بارز برای آن می‌توان بر شمرد: ۱. تعیین رقم معین و ثابتی به عنوان قیمت محصول، ۲. تعیین حداکثر قیمت، ۳. تعیین حداقل قیمت بازفروشی. به این موارد، توافقات تعیین میزان سود، تخفیف و سایر عوامل موثر در قیمت را نیز باید افزود. متنها در این میان، مناقشات مربوط به توافقات تعیین سقف و کف قیمت از اهمیت بیشتری برخوردار است.

رویه قضایی آمریکا در حالی که توافقات تعیین حداکثر قیمت باز فروشی را از سال ۱۹۹۷ تحت قاعده متعارف و معقول مورد ارزیابی قرار می‌دهد، اما توافقات تعیین حداقل قیمت فروش مجدد را تا سال‌های اخیر مشمول قاعده ذاتا نامعقول فرض می‌نمود. سابقه ممنوعیت ذاتی این توافقات که گاه از آن به توافقات «قاعده دکتر مایلز» تعبیر می‌شود، به یکصد سال پیش در دعوای مشهوری به همین نام باز می‌گردد.

۱-۲-۱-۳ - مصادیق توافقات عمودی ممنوع در قانون انگلیس

در ارتباط با توافقات تثبیت قیمت بازفروشی تا مدت‌ها حداکثر قضاوت و مفسران در قانون انگلیس توجهشان تنها معطوف به آثار منفی توافقات تعیین حداقل قیمت بازفروشی بود و آثار مثبت آن یا ناشناخته بود و یا اعتنایی به آن نمی‌شد (W.Hahn, 2006:3). به همین دلیل از توافقات مزبور در کنار مصادیق سنتی توافقات افقی به عنوان محدودیت‌های ذاتا نقض کننده رقابت یاد می‌شد. اما به تدریج دیدگاه‌ها هم گام با ضرورت‌ها و شرایط متغیر اقتصادی و به ویژه تحت تاثیر اندیشه‌های طرفداران مکتب شیکاگو تحول یافت و اهمیت



آثار مثبت فوق نیز مورد توجه واقع شد. از جمله اینکه کم کم این ایده شکل گرفت که اولویت و دغدغه نخست حقوق رقابت باید رقابت میان برندی باشد و نه رقابت درون برندی. هدف اولیه مقررات رقابت، حمایت از رقابت میان برندی است و حفظ رقابت نوع دوم اولویت حقوق رقابت مدرن نیست. چرا که اگر رقابت میان برندی موثری وجود داشته باشد، همین امر بزرگ ترین مانع در بهره کشی از شرکت های توزیعی و مصرف کنندگان است.

۳-۱-۲-۳- مصادیق توافقات عمودی ممنوع در قانون ایران

همانند ماده ۱۰۱ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، ماده ۴۴ ق.ا.س.ک نیز تفاوتی میان توافقات عمودی و افقی قائل نشده و هر دو را تحت رژیم حقوقی واحدی قرار داده است. مطابق بند ۱ این مقرره، هر توافقی که اثر مستقیم یا غیر مستقیم آن مشخص کردن قیمت های خرید یا فروش کالا یا خدمت و یا نحوه تعیین آنها در بازار باشد، به طوری که موجب انحلال در رقابت شود، ممنوع است. اطلاق واژگان «توافق» و «رقابت» در ماده مزبور به ترتیب هم توافقات عمودی و افقی را در بر می گیرد و هم رقابت درون برندی و میان برندی را بر این اساس، اگر ظاهر این عبارات را مبنای تفسیر خود قرار دهیم باید اذعان داشت که هر نوع تعیین قیمتی در روابط عمودی از آنجا که موجب وضع محدودیت بر رقابت درون برندی می شود، ممنوع خواهد بود. با این حال چنین تفسیری پذیرفتنی به نظر نمی رسد. نقیصه مهم عقیده مزبور آن است که اعتباری برابر با رقابت میان برندی برای رقابت درون برندی قائل گردیده و موجب می شود تا قواعد حقوق رقابت بیش از حد لزوم در روابط بازاری بنگاه ها مداخله کرده و حتی گاه با رویکرد شکل گرای خود، مانع از بروز رفتارهایی گردند که در عالم واقع، ارتقا دهنده کارایی و رفاه مصرف کنندگان هستند.

۲-۲- ادغام ها

ادغام شرکت های تجاری و بنگاه ها نه تنها همیشه بد نیست بلکه گاهی اوقات سبب رشد اقتصادی و افزایش توان سرمایه گذاری و استحکام بنگاه تجاری و جلوگیری از

ورشکستگی آن می‌گردد. برای مثال در لایحه قانون تجارت که مطرح در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی است و متأسفانه تا کنون بعد از مدت زمان نسبتاً طولانی هنوز به تصویب نرسیده، طی مواد ۸۰۳ تا ۸۰۶ بحث ادغام شرکت‌های بحران زده به منظور جلوگیری از ورشکستگی آن‌ها پیش بینی شده است. اما گاهی اوقات ادغام بنگاه‌ها به منظور تمرکز اقتصادی در بازار است. برخی مواقع، بنگاه‌های قدرتمند با سوء استفاده از موقعیت مسلط اقتصادی خود، با ادغام بنگاه‌های کوچک و جای دادن آن‌ها در دل خود سعی در انحصاری کردن بازار می‌نمایند و گاهی نیز بنگاه‌هایی که از قدرت مسلط بهره‌مند نمی‌باشند، با ادغام در یکدیگر سعی در قدرتمند نمودن خود می‌نمایند.

این مسئله یعنی تفکیک قائل شدن میان ادغام مفید و مضر، در قوانین کشورها و خصوصاً قوانین ایران مشهود است. برای مثال در ماده ۴۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ادغام جهت ارتقای سطح و جذب فناوری‌های برتر در بخش‌های مختلف اقتصادی مشروط بر اینکه موجب بروز قدرت انحصاری نشود، پذیرفته شده است.

از سوی دیگر در ماده ۴۸ قانون اصلاح نیز ادغام‌های نامطلوب را ممنوع و ادغام‌های مطلوب را مجاز می‌شمارد و در مواردی که راهی جز ادغام برای تحقق به اهدافی از جمله دسترسی به دانش فنی وجود نداشته باشد، آن را حتی در صورت ایجاد تمرکز شدید در بازار می‌پذیرد.^۱

در نتیجه باید به موضوع و شرایط و هدف ادغام توجه نمود که البته این مسئله در حالتی که هدف آن کسب سود و انجام اعمال ضد رقابتی باشد، کاری دشوار است.

۳-۲-۱- ادغام در حقوق رقابت آمریکا

در حقوق آمریکا، صرف نظر از قواعد کلی مندرج در مواد ۱ و ۲ قانون شرمن، ادغام‌ها مشمول ماده‌ی ۷ قانون کلینتن قرار دارند که تحت عنوان «تملک سهام یک بنگاه توسط دیگری» چنین بیان می‌کند: «هیچ شخص مشغول فعالیت در تجارت یا هر فعالیت



اثرگذار بر تجارت نباید مستقیماً یا به طور غیر مستقیم، تمام یا بخشی از سهام یا سایر اوراق سرمایه‌ای و هیچ شخص مشمول صلاحیت کمیسیون تجارت فدرال، نباید کل یا هر بخشی از دارایی شخص دیگر شاغل در تجارت یا هر فعالیت اثرگذار بر تجارت را به گونه‌ای تملک کند که اثر آن، کاهش اساسی رقابت یا تمایل به ایجاد انحصار در هر بخشی از تجارت یا در هر فعالیت اثرگذار بر تجارت در هر نقطه‌ای از کشور باشد... این ماده در ادامه، همین حکم را نسبت به تحصیل سهام دارای حق رای با سهامی که حق تعیین نماینده در یک بنگاه را به بنگاه دیگر اعطا می‌کنند، تعمیم می‌دهد. بنابراین، برخلاف آن چه که تاکنون در خصوص رویه‌های ضد رقابتی آموخته‌ایم، در ادغام‌ها صرف کاهش رقابت کافی نیست، بلکه این کاهش باید به نحو اساسی رخ دهد تا ادغامی، ضد رقابتی به حساب آید: با توجه به ابهام موجود در معیار کاهش اساسی رقابت^۱، وزارت دادگستری ایالات متحده در جهت شفاف سازی چگونگی اعمال مقررات فوق و نحوه‌ی تشخیص ادغام‌های مضر، در سال ۱۹۶۸ اصول راهنمایی را منتشر ساخت که تاکنون چندین نوبت با مشارکت کمیسیون تجارت فدرال مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفته است در حالی که در اصول راهنمای مزبور، عمدتاً از دیدگاه‌های مکتب هاروارد و ایده‌ی ساختار-رفتار-عملکرد آن استفاده شده بود، در اصول راهنماهای بعدی نحوه‌ی اجرای مقررات ماده‌ی ۷ تا حدودی به سمت عقاید مکتب شیکاگو نزدیک شد به همین دلیل نیز تا دهه‌ی شصت، رژیم حاکم بر ادغامها در این کشور بسیار سخت گیرانه و از موازین رقابتی تا حدودی به دور بود، به گونه‌ای که گاه ادغام میان دو بنگاه که جمع سهام بازاری آنها حتی به ۱۰ درصد هم نمی‌رسید به صرف این که رقیب مستقیم و بالفعل یکدیگر بودند، مضر و ممنوع تشخیص داده می‌شد.

ادغام‌ها در حقوق رقابت آمریکا تحت شمول عبارت عام ماده‌ی ۱ قانون شرمن قرار می‌گیرند. ماده‌ی ۷ قانون کلینتن آمریکا نیز در این زمینه قابل ذکر است. به موجب مقرره‌ی

1. The Substantial Lessening of Competition

اخیر، کلمه‌ی بنگاه‌ها از تملک مستقیم یا غیر مستقیم کل یا بخشی از سهام، سهم‌الشرکه یا دارایی بنگاه دیگر که بتواند به کاهش شدید رقابت یا ایجاد انحصار منتهی شود، ممنوع گردیده‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود، برخلاف دیگر موضوعات حقوق رقابت قانونگذار در این حوزه عملی را ضد رقابتی می‌داند که موجب کاهش شدید رقابت شود.

۳-۲-۲- ادغام در حقوق رقابت انگلیس

در قانون انگلیس از روش‌های نسبتاً مشابهی در ارزیابی ادغام‌ها استفاده می‌شود. اگرچه، تفاوت‌هایی نیز با نظام بررسی ادغام‌ها در ایالات متحده قابل مشاهده است از جمله اینکه در انگلیس، کارایی از ارزش و اعتبار کمتری جهت توجیه ادغام‌ها برخوردار است و بنابراین، باید گفت در مقایسه با آمریکا، نظام حاکم بر ادغام‌ها به طور کلی در حقوق انگلیس سخت‌گیرانه است. این خود متأثر از این واقعیت است که در حقوق رقابت انگلیس به تأسی از مکاتب اقتصادی غالب، اهداف غیر اقتصادی از نقش مهمی در ارزیابی رویه‌های تجارتي برخوردارند. لازم به ذکر است در مقررات مربوط به معاهده رم و بالطبع معاهدات پس از آن از جمله معاهده عملکرد اشاره صریحی به ادغام‌ها و نظام حقوقی حاکم بر آن نشده است. این بدان خاطر است که در زمان تأسیس جامعه اروپا دغدغه‌ای در خصوص ادغام‌ها وجود نداشت. در آن زمان تفکر حاکم در انگلیس این بود که بزرگی بنگاه‌ها فی‌نفسه مشکل‌ساز نیست بلکه آنچه که ایجاد نگرانی می‌کند بنگاه‌های کوچک‌ناکارآمدی است که در نتیجه تقسیم بازارها میان کشورهای اروپایی پدید آمده‌اند. در مورد مشکلات احتمالی ناشی از اندازه بیش از حد بنگاه‌ها نیز راه حل در وضع مقررات محدود کردن قدرت آن‌ها تصور می‌شد و نه تمرکز زدایی و تجزیه آن‌ها. از همین رو، ادغام‌ها به ویژه آن‌هایی که دامنه فعالیتشان از قلمرو یک کشور عضو فراتر می‌رفت از آن جا که به یکپارچگی بازار مشترک اروپا کمک می‌کردند، با استقبال مواجه می‌شدند. این رویکرد موجب شده است تا هم اکنون نیز نوعاً بازارهای اروپا در مقایسه با آمریکا از درجه تمرکز بالاتری برخوردار باشند.

۳-۲-۳- ادغام در حقوق ایران



قواعد مشخص و پیش بینی شده‌ای در رابطه با ادغام در قانون ایران وجود ندارد. منتها اگر ادغام صورت گرفته موجب به وجود آمدن انحصار شده و یا حقوق مصرف کننده را تضییع نماید می‌توان با استفاده از قواعد قانون اساسی و هم چنین قانون حمایت از مصرف کننده با آن مقابله نمود.

حقوق ایران تا پیش از تصویب ق.ا.س.ک در سال ۱۳۸۶ فاقد هر گونه رژیم حقوقی ناظر بر ادغام میان شرکت‌های تجاری بود. در قانون تجارت و لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ (گذشته از موادی راجع به تبدیل یا انحلال شرکت‌ها) هیچ گونه اشاره صریحی به ادغام و مقررات مربوط به آن نشده است. اگرچه، در سال ۱۳۵۰ با تصویب قانون شرکت‌های تعاونی، صراحتاً از امکان ادغام میان شرکت‌ها یا اتحادیه‌های تعاونی با شرکت‌ها یا اتحادیه‌های تعاونی دیگر نام برده شد و فصل هجدهم قانون مزبور به این امر اختصاص یافت اما؛ اولاً، قلمرو این قانون تنها به شرکت‌های تعاونی محدود بوده و مقررات آن علی القاعده قابل تسری به سایر شرکت‌های تجاری نمی‌باشد و ثانیاً، در مقررات مذکور صرفاً به آیین شکلی و چگونگی انجام قانونی ادغام اشاره شده و بنابراین در آن‌ها از ادغام‌های مضر و مفید از منظر موازین رقابتی سخنی به میان نیامده است.

۳- مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت

گاهی از یک عمل رقابتی خسارتی بر تولید کننده، سایر بنگاه‌های اقتصادی و یا مصرف کننده وارد می‌شود. در فرضی که خسارت وارد شده خارج از روابط قراردادی باشد شخص باید در فرض تقصیر و وجود رابطه سببیت خسارت وارد آمده را جبران نماید.

۳-۱- جایگاه مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت در قانون

آمریکا

در حقوق ایالات متحده بحث از لزوم جبران خسارات به بار آمده از رویه‌های ضد رقابتی هیچ گاه با تردید جدی روبرو نبوده است. چرا که در همان نخستین قانون رقابت یعنی قانون شرمین بر این نکته تأکید شده است کنگره‌ی آمریکا با درک محدود بودن منابع دولتی به منظور افزایش احتمال کشف موارد نقض مقررات رقابت و برخورد با متخلفین،



در ماده‌ی ۷ قانون شرم‌ن حق اشخاص خصوصی در اقامه‌ی دعاوی مطالبه‌ی خسارت را به رسمیت شناخت. حتی با اعطای امتیازاتی ویژه سعی در ترغیب ذی نفعان در طرح نمودن ادعای خود در دادگاه‌ها نموده تا بدین نحو از اجرای خصوصی به عنوان ابزاری کاربردی در جهت تکمیل اجرای عمومی و پوشش دهنده‌ی معایب آن استفاده جوید. همانگونه که می‌دانیم این امتیازات موثر واقع شده است زیرا بیش از ۹۰٪ مجموع کل دعاوی راجع به نقض قواعد رقابت در ایالات متحده توسط اشخاص خصوصی اقامه می‌شوند. به همین دلیل است که برخی نویسندگان از دعاوی مطالبه‌ی خسارت به عنوان شاه کلید و کانون نظام اجرای خصوصی در این کشور یاد می‌کنند. در هر حال با وضع قانون کلینتن، ماده‌ی ۴ این قانون (ماده‌ی ۱۵ فصل اول بخش ۱۵ کد ایالات متحده) جایگزین ماده‌ی ۷ قانون شرم‌ن گردیده است و در حال حاضر لازم الاجرا است. مطابق با این مقرر: «... هر شخص که در نتیجه‌ی عملی که به موجب قوانین ضد تراست ممنوع شده است به حرفه یا اموال او خسارتی وارد شود، می‌تواند صرفنظر از میزان مورد اختلاف در دادگاه بخشی که خواننده در آن مقیم است یا یافت می‌شود یا دارای شعبه است، اقامه‌ی دعوا نماید و ... خسارتی را که متحمل شده دریافت نماید...» در همین مجال، خاطر نشان کنیم که تمایل نظام اجرایی قواعد رقابت این کشور در استفاده‌ی از مسوولیت مدنی بیشتر به عنوان ابزاری در راستای افزایش درجه‌ی بازدارندگی است تا به عنوان سربازی در خدمت عدالت اصلاحی. به عبارت دیگر، در حقوق رقابت آمریکا و تا حدودی در سایر کشورهای پیرو نظام کامن لا- برخلاف دیگر نظام‌های حقوقی هدف بازدارندگی ناشی از پیش بینی مسوولیت مدنی برهدف جبران خسارت آن تقدم یافته است. از همین رو نیز به مسوولیت مدنی نه به دیده‌ی یک ضمانت اجراهای ماهیتا مدنی و موثر در روابط خصوصی اطراف دعوا، بلکه به دیده‌ی ضمانت اجرایی عمومی و در خدمت منافع عمومی می‌نگرند. به دیگر سخن، در این جا مسوولیت مدنی از هدف صرف جبران خسارت زیان دیده تا حدودی دور شده و کارکردی در جهت تنبیه و اعمال فشار بیشتر بر متخلف یافته است. این تمایل به خوبی با



مطالعه‌ی مجموع قواعد و مقررات رقابت و رویه‌ی قضایی محاکم آمریکایی در ارتباط با دعاوی حقوق رقابت مشهود است.

۲-۳- جایگاه مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت در قانون

انگلیس

در حقوق رقابت انگلیس به جز بطلان توافقات ضد رقابتی هیچ گونه ضمانت اجرای دیگری پیش بینی نشده بود. مسئولیت مدنی مرتکبین اعمال ضد رقابتی و هم چنین حق اشخاص خصوصی در استناد مستقیم به مقررات رقابت با تردید هایی رو به رو بوده است. همین امر در کنار مشکلات عملی و خلاءهای آیین رسیدگی موجب شده است تا وجود اهمیت جبران خسارت ناشی از نقض مقررات رقابت، آراییی که در سطح کشور انگلیس صادر و در آن‌ها دادگاه‌های انگلیس به چنین امری حکم داده باشند، ندرتا یافت شود. شواهد نشان می‌دهد تا سال ۱۹۹۳ هیچ حکمی از دادگاه‌های انگلیس مبنی بر جبران خسارت در دعاوی میان اشخاص خصوصی که ناشی از نقض مقررات رقابت باشد نگردیده است. زمینه جبران خسارت ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت نخستین بار در دعوای «فرانکوویچ» دیده شد، اتحادیه اروپا در این دعوای حق مطالبه خسارت را برای فرد خسارت دیده قائل شده بود. پس از آنکه اتحادیه اروپا به صراحت بیشتری در دعاوی که دو طرف آن اشخاص خصوصی بودند، حق مطالبه خسارت را به رسمیت شناخت، در قانون انگلیس نیز امکان جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های ضد رقابتی بروز نمود. نمونه بارز آن دعوای معروف «کاریج علیه کرهان»^۱ بود.

۳-۳- جایگاه مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت در قانون

ایران

تا پیش از وضع ق.ا.س.ک به هیچ وجه نمی‌توانستیم در حقوق ایران با قاطعیت قائل به مسئولیت مدنی در موارد مبادرت به اعمال ضد رقابتی شویم، چرا که این اعمال (به ویژه اعمال ضد رقابتی یک جانبه) با هیچ نصی ممنوع نشده بودند و ممکن بود که بسیاری

1. Courage v. Crehan

معتقد به جواز آن‌ها باشند. خوشبختانه با وضع ق.ا.س.ک و اعلام ممنوعیت اعمال ضد رقابتی ماده ۶۶ این قانون نیز به اصل مسئولیت مدنی مرتکبین اعمال ضد رقابتی و حق جبران خسارت زیان دیدگان از این اعمال صراحتاً اشاره کرد و مانع از شکل‌گیری هر گونه اختلافی در این زمینه شده است. مطابق این مقرر: «اشخاص حقیقی و حقوقی خسارت دیده از رویه‌های ضد رقابتی مذکور در این قانون می‌توانند. به منظور جبران خسارت به دادگاه صلاحیتدار دادخواست بدهند.» حتی قانونگذار یک قدم نیز رو به جلو برداشته و در مقررات فصل نهم ق.ا.س.ک، ماده‌ای نسبتاً مترقی را وضع کرده است. بر اساس ماده ۶۷ ق.ا.س.ک: «شورای رقابت می‌تواند در کلیه جرایم موضوع این قانون سمت شاکی داشته باشد و از دادگاه صلاحیتدار برای جبران خسارت وارد شده به منافع عمومی درخواست رسیدگی کند.»

۴- ارکان و جنبه‌های مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت

از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان رقابت یکی از عناصر ضروری و اساسی اقتصاد موفق به شمار می‌آید. آنها معتقدند حاکمیت رقابت در اقتصاد می‌تواند موجب حفظ سطح قیمت کالا و خدمات در حد معقول شود؛ چیزی که هیچ‌گاه از طریق اعمال کنترل متمرکز دولت‌ها امکان پذیر نخواهد بود. همچنین آنها بر این باورند که رقابت ابزار مناسبی برای مدیریتی و هدایت اقتصاد ملی کشورها و بلکه اقتصاد جهانی است.

از نظر آنان ایجاد انحصار و حذف رقابت از نظام اقتصادی نتیجه‌ای جز کنترل کیفیت و تنوع کالاها و از بین رفتن حس نوآوری و نهایتاً کاهش قدرت انتخاب و زیان مصرف‌کنندگان نخواهد داشت. به همین جهت در اکثر کشورها به موازات انجام اقدامات آزادسازی و خصوصی سازی اقتصادی، انحصارات دولتی نیز به تدریج محدود گردیده است.^۱

۴-۱- ضرر



در اثر وقوع یک عمل زیان بار عموماً ممکن است چند قسم خسارت به بار آید: ضرر مالی (مادی)، ضرر بدنی و ضرر معنوی. در غالب موارد ارتکاب اعمال ضد رقابتی، تصور ورود ضرر تنها از نوع اول می‌رود. بنابراین، فارغ از بررسی انواع دیگر هستیم. ضرر مادی نیز خود به دو گونه تحقق می‌یابد: ۱) ضرر مالی حقیقی^۱ یا ضرر مادی به معنای اخص که عبارت است از نقصان وارد کردن یا کاستن از دارایی کسی ۲) عدم النفع^۲ که مقصود از آن، منفعت مالی مسلمی است که از ورود آن به دارایی کسی جلوگیری به عمل آمده است.

در مورد خسارات به بار آمده از اعمال ضد رقابتی، هر دو نوع ضرر مالی فوق مد نظر است. علاوه بر این که پس از تعیین میزان این دو زیان در برخی از نظام‌های حقوقی در راستای اصل جبران کامل خسارت^۳، بهره‌ای^۴ که به مجموع یا یکی از آنها تعلق می‌گیرد نیز محاسبه می‌شود. (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳: ۴۸۷) لذا دامنه‌ی شمول ضررهای مالی مرتبط با حقوق رقابت کاملاً واضح است. منتها در ارزیابی خسارت و تشخیص زیان دیده دشواری‌هایی وجود دارد. که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اگرچه مفهوم و ماهیت ضرر در موارد نقض حقوق رقابت تا حدود زیادی روشن است اما به هیچ وجه نباید چنین پنداشت که ارزیابی این ضرر و تشخیص افراد زیان دیده نیز امر ساده‌ای خواهد بود. به همین دلیل هم کمیسیون اروپا از این معضل به عنوان یکی از موانع ترویج دعاوی خصوصی نقض قواعد رقابت یاد می‌کند.

در مصادیق سنتی موجد ضمانت قهری به هنگام تعیین میزان مسئولیت وارد کننده زیان، دادرس مستقیماً به خسارت وارده توجه کرده و آن را مورد محاسبه قرار می‌دهد. برای مثال، در فرضی که کسی منزل دیگری را ویران می‌کند قاضی برای تعیین میزان خسارت مستقیماً به ارزیابی قیمت مال تلف شده می‌پردازند. اما در موارد وقوع رویه‌های

1. Actual or Material Loss (Domanum Emergens)

2. Loss of Profit (Lucrum Cessans)

3. The Principle of Full Compensation

4. Interest

ضد رقابتی، صاحب نظران جهت محاسبه مجموع خسارات واقعی وارد شده و عدم النفع‌های از دست رفته سناریوهای مختلفی را پیشنهاد کرده اند:

(۱) برخی با توجه به این واقعیت که از یک سو، خسارت ناشی از اعمال ضد رقابتی در میان ایادی پایین دستی و نهایتاً انبوه مصرف کنندگان توزیع می‌گردد و این امر، برآورد کل زیان وارده و اثبات آن را در عمل دشوار، زمان بر و هزینه بر می‌گرداند؛ از سوی دیگر نیز عملاً همه زیان دیدگان - به ویژه مصرف کنندگان که اغلب خسارت ناچیزی به آنها تحمیل می‌شود - برای مطالبه زیان خود به محاکم مراجعه نمی‌کنند، لذا بخش اعظمی از منفعت حاصل از نقض در نزد خاطی باقی می‌ماند (که به نوبه خود موجب د آرا شدن ناعادلانه و تجری متخلف بالفعل و متخلفین بالقوه می‌گردد)، برآورد سود حاصل از عمل ضد رقابتی را توصیه کرده اند. به بیان ساده تر، تأکید اینان به جای خسارت وارده به تک تک ایادی پایین دستی بر سود ناروایی است که از رهگذر ارتکاب عمل ضد رقابتی عاید متخلف می‌شود و میزان این سود را برابر با خسارت وارده می‌دانند.

(۲) گروهی دیگر برای احتساب زیان‌های به بار آمده، به کارگیری فرایندی دو مرحله‌ای را پیش کشیده اند. بدین توضیح که ابتدا باید با استفاده از «برهان خلف» یا معیار «اگر نبود»^۱ وضعیت فرضی^۲ را که بازار و فرد مدعی خسارت می‌توانستند در فرض عدم وقوع نقض داشته باشند، ترسیم گردد. سپس، در مرحله دوم با مقایسه تفاوت‌های میان این وضع فرضی و وضع فعلی و واقعی مدعی زیان می‌توان در وهله اول، صحت ادعای او را تشخیص داد و سپس در صورت احراز ورود زیان، مقدار آن را به دست آورد.^۳

۵-۲- عمل ناروا

رکن مادی مسئولیت مدنی را «عمل ناروا یا تقصیر آمیز» تشکیل می‌دهد. عمل ناروا یا تقصیر آمیز برابر است با تجاوز از رفتار انسان متعارف و معقول. از آنجا که هر انسان متعارف و معقولی مقید به قوانین آمرانه جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند لذا

1. But for
2. Counterfactual

۳. (علاء الدینی، ۱۳۹۱: ۷۹)

بارزترین و قطعی ترین نوع اعمال مقصرانه عبارت است از: تخطی از قوانین آمرانه (همان، ۳۳۷). بر این اساس، هر گاه کسی مرتکب نقض مقررهای آمرانه (اعم از عامدانه یا غیر آن) شود و در نتیجه آن خسارتی به فرد دیگر وارد آید، در برابر وی مسئول و ملزم به جبران خسارت است؛ قاعده‌ای که در نظام‌های حقوقی کمتر تشکیکی در آن روا داشته است.

اعمال ضد رقابتی در زمره اعمال ناروا (تقصیرآمیز) قرار دارند چرا که مبادرت به این اعمال مستلزم زیر پا نهادن مقررات رقابت است که به لحاظ ارتباط شان با نظم و منافع عمومی از جمله قوانین آمرانه محسوب می‌شوند. بدین ترتیب اگر ثابت شود که کسی به عملی ضد رقابتی دست زده است این امر خود به خود به معنای مقصر بودن او تعبیر می‌شود. یعنی جداگانه نیازی به اثبات تقصیر او نیست و مدعی با اثبات دو رکن دیگر (خسارت و رابطه سببیت) می‌تواند به حکم به الزام متخلف به جبران زیان‌های خود نایل آید.

به همین دلیل هم هست که طرح دعاوی متعاقب یعنی دعاوی مطالبه خسارت اشخاص خصوصی پس از کشف و اثبات ارتکاب رویه‌ای ضد رقابتی توسط مقامات عمومی، مقرون به صرفه تر بوده و محتمل ترین شیوه اجرای خصوصی به شمار می‌آید.^۱

۳-۵- رابطه سببیت

جزء سوم ارکان عمومی مسئولیت مدنی، وجود رابطه سببیت میان دو جزء قبلی یعنی عمل ناروا و زیان وارده است. به بیان دیگر، باید محرز شود که خسارت وارده به خواهان از عمل تقصیرآمیز خواننده دعوا ناشی شده است. البته باید دقت داشت که رابطه سببیت می‌تواند در دعاوی نقض مقررات رقابت دو نقش عمده را ایفا کند: نقش اول در احراز عمل ضد رقابتی (عمل ناروا) است. برای نمونه، جهت احراز خطای ایجاد انحصار اثبات این که خواننده دعوا قدرت انحصاری خود را از رهگذر عملی ضد رقابتی به دست آورده و به عبارت بهتر، میان خروج رقبا از بازار و عمل خواننده رابطه سببیت برقرار است،

۱. (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳: ۵۱۱)

ضروری است. به همین ترتیب است احراز رابطه علیت میان تمرکز شدید بازار و ادغام مورد نظر که موجب می‌شود ادغام مزبور ضد رقابتی توصیف گردد. بنابراین، ممکن است رابطه سببیت میان اجزای مشخصی در زمره ارکان یک عمل ضد رقابتی باشد. نقش دیگر، در احراز وجود رابطه میان ضرر خواهان و عمل ضد رقابتی خواننده دعاوی جبران خسارت است که اثبات چنین رابطه‌ای بر عهده خواهان خواهد بود.

برای آن که خواهان یک دعاوی نقض مقررات رقابت بتواند به جبران خسارت نایل شود باید وجود رابطه‌ای را میان خسارت وارده به خود و عمل ضد رقابتی خواننده دعاوی را به اثبات رساند. جهت اثبات چنین رابطه‌ای، استفاده از چند معیار قابل تصور می‌باشد: رابطه سببیت ناشی از اعمال معیار اگر نبود، سبب نزدیک^۱، رابطه سببیت منحصر به فرد^۲، وجود ارتباط متعارف و معقول نهایتاً افزایش احتمال ورود خسارت^۳.

نتیجه گیری

رقابت تجاری را می‌توان نوعی فرایند مجادله و برتری جویی میان بنگاه‌های مستقل به منظور به دست آورده هدف تجارتهی خاص همانند جلب مشتری بیشتر برای محصولات خود و کسب سود و سهم بیشتر از بازار دانست.

از دیدگاه حقوق رقابت، توافقات بنگاه‌ها به سه دسته توافقات افقی، عمودی و ادغام‌ها تقسیم می‌شوند. توافقات افقی در میان بنگاه‌های رقیب هم واقع می‌شوند یعنی آن‌هایی که در زنجیره تأمین یک محصول خاص در موقعیت مشابهی قرار گرفته‌اند. این توافقات بیشترین خطر را برای رقابت ایجاد می‌کنند و به همین دلیل، معمولاً تحت قلمرو قاعده ممنوعیت ذاتی قرار دارند همانند توافقات تثبیت حداقل قیمت.

توافقات عمودی در میان بنگاه‌هایی انعقاد می‌یابند که در زنجیره تأمین در سطوح متفاوتی قرار گرفته‌اند. ادغام در معنای عام به هر نوع توافقی در میان بنگاه‌ها اطلاق

1. Proximate Cause
2. Sole Couasation



می‌گردد که موجب محو حداقل یکی از بنگاه‌ها و یا تحت کنترل آمدن یکی توسط دیگری می‌شود.

از جمله توافقات افقی ممنوع «توافقات تثبیت قیمت» هستند. در هر سه قانون ایران و آمریکا و انگلیس با این توافقات برخورد شده است. علاوه بر آن با کارتل‌ها در قانون انگلیس به عنوان یکی از توافقات افقی ممنوع و تأثیر گذار بر رقابت به شدت برخورد شده است. توافقات تثبیت قیمت به عنوان یکی از اعمال ضد رقابتی در واقع از اهداف اصلی کارتل‌ها به شمار می‌روند. این توافقات استقلال بنگاه‌ها را در تعیین قیمت محصولات خود از بین می‌برند. در قانون انگلیس با توافقات محدود کننده تولید نیز برخورد شده است و از آن به عنوان یکی از فعالیت‌های ضد رقابتی یاد شده است.

در ارتباط با ادغام‌ها به طور کلی می‌توان گفت نظام حاکم بر ادغام در قانون انگلیس نسبت به قانون آمریکا سخت‌گیرانه‌تر می‌باشد، علت اصلی آن این است که در قانون انگلیس اهداف غیر اقتصادی از نقش مهمی در ارزیابی رویه‌های تجاری برخوردار هستند. در رابطه با ادغام‌ها در قانون ایران قواعد مشخصی وجود ندارد مگر ادغام دارای یک اثر ضد رقابتی باشد به عنوان مثال موجب ایجاد انحصار شود و یا به حقوق مصرف کننده خللی وارد آورد می‌توان با آن مقابله نمود.

یکی دیگر از مباحث مهم پیرامون حقوق رقابت، ضمانت اجراهایی است که در قوانین رقابت برای رعایت مقرراتشان پیش‌بینی می‌شود. اگرچه حقوق رقابت در زمره حقوق عمومی قرار می‌گیرد اما این امر به هیچ وجه منافاتی با پیش‌بینی ضمانت اجراهای مدنی در مواقع سرپیچی از مقررات آن ندارد. اگرچه منشأ حقوق رقابت به ایالات متحده باز می‌گردد و این کشور نزدیک به نیم قرن تقریباً تنها کشوری بود که به طور جدی به اجرای قوانین رقابت و مبارزه‌ی با اعمال ضد رقابتی می‌پرداخت اما با روشن شدن آثار مثبت این رویکرد، نیمه‌ی دوم قرن بیستم دوره‌ی اقبال به قوانین رقابت در همه‌ی نقاط جهان بود به گونه‌ای که اکنون اکثر کشورها از چنین قوانینی بهره‌مند می‌باشند. در کشور ما نیز

مقررات رقابت در قالب فصل نهم قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (ق.ا.س.ک) در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس رسیدند.

در مورد میزان خسارت مورد حکم حقوق رقابت ایالات متحده وضع منحصر به فردی دارد به گونه‌ای که در راستای سیاست تقویت بازدارندگی در صورت اثبات ارکان مسوولیت مدنی، متخلف از مقررات رقابت را ملزم به پرداخت معادل سه برابر خسارت واقعی وارده به زیان دیده می‌کند. این رویکرد نیز برخلاف اصول و مسلمات حقوق مسوولیت مدنی می‌باشد و در اغلب کشورها پذیرفته نشده است از دیگر مزایای طرح دعوی مطالبه‌ی خسارات ناشی از نقض مقررات رقابت در ایالات متحده می‌توان به امکان انعقاد قراردادهای حق الزحمه احتمالی با وکلا از سوی زیان دیدگان اشاره نمود. البته، برای جلوگیری از ورشکستگی بنگاه‌ها و سوء استفاده‌ی فرصت طلبان معمولاً مهلت‌های معینی جهت اقامه‌ی دعوی فوق پیش بینی شده است که در حقوق ایران برابر با یک سال از تاریخ قطعیت حکم شورا یا هیات تجدید نظر مبنی بر وقوع رویه‌ای ضد رقابتی می‌باشد.

منابع

کتاب

- [۱] اکبری، بهمن (۱۳۷۵)، *حقوق بازرگانی در اسلام*. تهران: موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- [۲] امامی، سیدحسن (۱۳۶۴)، *حقوق مدنی*. تهران: نشر کتابفروشی اسلامیه.
- [۳] جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- [۴] دادگر، یدالله و رحمانی، تیمور (۱۳۸۶)، *مالیه‌ی عمومی و اقتصاد دولت*. تهران: نشر نور علم.
- [۵] سلیمی، فضا (۱۳۹۳)، *تعامل حقوق مصرف و حقوق رقابت*. تهران: انتشارات مجد.
- [۶] شکوهی، مجید (۱۳۸۱)، *حقوق بازرگانی در اتحادیه اروپا*. تهران: انتشارات میزان.



- [۷] عبادی، جعفر (۱۳۷۰)، مباحثی در اقتصاد خرد، بازارها، تعامل عمومی و رفاه اقتصادی. تهران: انتشارات سمت.
- [۸] علاء الدینی، امیر عباس (۱۳۹۱)، حقوق رقابت در آیینهی تحولات تقنینی. تهران: انتشارات مجد.
- [۹] غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۳)، حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن. تهران: انتشارات میزان.
- [۱۰] قنادان، محمود (۱۳۸۰)، قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۱۱] قنادان، محمود (۱۳۸۶)، کلیات علم اقتصاد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۲] قنادان، محمود (۱۳۸۷)، الزامهای خارج از قرارداد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول.
- [۱۳] قنادان، محمود (۱۳۸۷)، فلسفه حقوق. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- [۱۴] میرجلیلی، سید حسن (۱۳۸۹)، توسعهی اقتصادی و سیاست رقابتی در ایران، مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعهی اقتصادی جمهوری اسلامی و عضویت در سازمان جهانی تجارت «فرصت‌ها و چالش‌ها». تهران: انتشارات توسعه، مطالعات پژوهش‌های بازرگانی، بی تا.

مقالات:

- [۱] اخوان، حامد (۱۳۸۸)، «جهانی سازی رقابت»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۲] بادینی، حسن (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری»، فصلنامه‌ی حقوق، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ش. ۴.
- [۳] باقری، محمود و رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۸۷)، «حقوق رقابت و دفاع از تمامیت بازار در فقه امامیه»، مجله‌ی حقوق و علوم سیاسی، ش. ۲۸.
- [۴] باقری، محمود و سیدی، جواد (۱۳۸۷)، «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس: تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس»، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ش. ۳۸.

- [۵] باقری، محمود و عباسی، سیمین (۱۳۹۱)، «سیاست‌های حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه‌ی حقوق، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ش. ۲.
- [۶] باقری، محمود و فلاح زاده، علی محمد (۱۳۸۸)، «مبانی حقوق عمومی و حقوق رقابت (با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه‌ی حقوق مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ش. ۳.
- [۷] بشیری، رحمت الله و مولایی، یوسف (۱۳۸۷)، «لزوم قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت قراردادی»، مجله کانون، ش. ۱۱.
- [۸] بی نا (۱۳۸۷)، «بررسی ساختار (اندازه گیری تمرکز) در صنعت بانکداری ایران و هزینه‌های اجتماعی انحصار آن، گزارش ارائه شده به معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی»، دفتر مطالعات اقتصادی.
- [۹] جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸)، «مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با جرایم اقتصادی»، (ضمیمه‌ی درس حقوق کیفری اقتصادی دکتر نجفی ابرند آبادی، کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی).
- [۱۰] حبیبی، سعید و میرشمسی، محمد هادی (۱۳۸۸)، «جایگاه قواعد حقوق رقابت در قراردادهای انتقال و اجازه بهره برداری از حقوق مالکیت صنعتی (مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق اتحادیه‌ی اروپا و حقوق ایران)»، مجله‌ی حقوق خصوصی، ش. ۱۴.
- [۱۱] حسینی، مینا (۱۳۹۵)، «اخلاق و حقوق رقابت در صنعت داروسازی»، مجله‌ی ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ش. ۱.
- [۱۲] خشنودی، رضا (۱۳۹۳)، «تعامل میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری یا تعارض با قواعد عمومی قراردادها»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش. ۳.
- [۱۳] شهیدی، مهدی و باریکلو، علیرضا (۱۳۸۱)، «قرارداد عدم تجارت»، فصل نامه مفید، ش. ۲۹.
- [۱۴] صادقی مقدم، محمد حسن و غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۰)، «روح حقوق رقابت (مطالعه‌ی تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، ش. ۷۳.



- [۱۵] صادقی، طویی (۱۳۸۶)، «اصول حاکم بر حقوق رقابت تجاری با نگاهی به لایحه‌ی قانونی مربوط»، مجله‌ی تخصصی الهیات و حقوق، ش. ۳۳.
- [۱۶] صادقی، محمود و محمودی، اصغر (۱۳۸۶) «تعامل و هم زیستی قراردادهای پروانه بهره برداری از حقوق مالکیت فردی با حقوق رقابت»، فصل نامه پژوهش نامه بازرگانی، ش. ۴۳.
- [۱۷] طباطبایی نژاد، سید محمد (۱۳۹۲)، «چالش تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت با نگاهی به نظام اتحادیه ی اروپا»، فصلنامه ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش. ۶۲.
- [۱۸] قاسمی، حامد (۱۳۸۵)، «جزوه درس حقوق خصوصی اقتصادی»، دانشگاه شهید بهشتی، کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی.
- [۱۹] قدک، عبد الرسول (۱۳۸۶-۸۷)، «جزوه درس حقوق رقابت و توزیع»، (دانشگاه شهید بهشتی، کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی).
- [۲۰] میرجلیلی، سید حسین (۱۳۸۳)، «قانون رقابت و سیاست رقابتی در ایران»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش. ۱.
- [۲۱] نوروزی شمس، مشیت الله (۱۳۸۴)، «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور»، مجله‌ی مصباح، ش. ۱.
- [۲۲] وحدتی شیرینی، سید حسن (۱۳۸۸)، «مبنای مسئولیت مدنی یا ضمان ناشی از تخلف اجرای تعهد»، مجله مطالعات اسلامی، فقه و اصول، ش. ۸۲.

منابع انگلیسی

- [1] Antitrust and Merger Cases (Cambridge (UK): Cambridge University Press, 2010).
- [2] August J. Braakman & Nauta a Dutilh, The Application of Articles 85 & 86 of the EC Treaty by National Courts in the Member States (Brussels: European Commission, 1997).

- [3] Barbara O. Bruckman, Revisiting Dr. Miles: Reinstating a Modern Rule of Reason for Vertical Minimum Resale Price Agreements, *The Antitrust Source*, 2007.
- [4] Campbell Mcconnel, *Economics: principles, problems and policies* (New York: Mcgraw-Hill-Irwin, 2009), 78. Mark Furse, *Competition law of the EU and UK* (Oxford: Oxford University Press, 6th ed, 2008).
- [5] Robert Bork, *The Antitrust Paradox* (New York: The free press, 1978).
- [6] Robert W.Hahn, *Antitrust Policy and Vertical Restraints* (Washington, D.C, Brooking Joint Center for Regulatory Studies, 2006).
- [7] Rudolf Callmann, "What Is Unfair Competition?" , 28 *The Georgetown Law Journal*, No.5. (Feb. 1940).